

شرایط و زمینه‌های اصلی اثرگذار در ساماندهی محلات حاشیه‌نشین (نمونه مورد مطالعه، شهر مشهد)

رستم صابری‌فر*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

چکیده

یافته‌های تجربی نشان داده است که ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین بدون توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و شکل‌گیری محیط فعال ممکن نیست. برای رفع این مشکل این بررسی به روش کیفی انجام شد. محدوده مورد مطالعه در این بررسی شهر مشهد انتخاب گردید که یکی از بالاترین نسبت‌های حاشیه‌نشینی را دارد. داده‌ها با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. این داده‌ها به طریق تحلیل تم تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که الگوی مناسب ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین، دارای سه عنصر اساسی می‌باشد که عبارتند از: زیرساخت‌های اجتماعی، مدیریت و شرایط انسانی مناسب. هر یک از این عناصر باید به عنوان یک نماد ریاضی در معادله ساماندهی وارد شود. ارزش و مقدار هر یک از عناصر اگر صفر در نظر گرفته شود، پاسخ نهایی را معادل صفر خواهد کرد. بنابراین، تا زمانی که این عناصر با هم و با ارزش متناسب در روند ساماندهی حاشیه‌ها مدنظر نباشد، بهبودی در این عرصه‌ها حادث نخواهد شد.

واژه‌های کلیدی

مدل ساماندهی، حاشیه‌نشینی، محیط فعال، مدیریت و حاکمیت، مشهد.

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: r_saberifar@pnu.ac.ir
ORCID: 0000-0002-1523-0293

مقدمه

با توجه به این که بیش از نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر در سکونتگاه های شهری زندگی می کنند و اغلب آنها نیز از گروه های فقط و تهدست می باشند. از همین رود، فقر شهری یکی از مهمترین دغدغه های ملی و محلی به حساب می آید. این موضوع وقتی نگران کننده می شود که بدانیم، سازمان ملل تخمین زده است که یک میلیارد نفر در حال حاضر در محله های فقیرنشین شهری زندگی می کنند و ممکن است این تعداد تا سال ۲۰۳۰، به دو میلیارد نفر برسد. این روند در ایران نیز هم مشاهده می شود و در بعضی از مناطق، شکل نگران کننده تری دارد. شاید به همین دلیل است که بیش از ۵۰ سال است که بررسی و مطالعه در ارتباط با مناطق حاشیه نشین به طور مستمر ادامه داشته است (قلعه گلابی، ۱۳۵۰؛ باقری میاب و همکاران، ۱۴۰۳). به همین دلیل، هم اکنون با انبوهی از پژوهش هایی روبرو هستیم که به صورت گزارش تحقیقی، کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده اند. اما پیدا کردن یک پهنه حاشیه نشین که به خوبی ساماندهی شده باشد، اگر نگوئیم غیرممکن، حداقل به سختی ممکن است. چنین شرایطی باعث شده است که مبحث ساماندهی مناطق حاشیه نشین از قلمروی مباحث علمی خارج شده و به یک مقوله سیاسی و مدیریتی تبدیل گردد که مهمترین مشکل آن نبود اعتبار است. اما علی رغم صرف اعتبارات اساسی در این روند، دستاوردهای حاصله اندک و بعضاً هیچ بوده است. به طوری که اکنون پهنه های حاشیه نشین در برخی از شهرهای بزرگ نه تنها کاهش نیافته، بلکه هر ساله وسعت بیشتری پیدا می کند. برای ناکامی های مورد اشاره، دلایل و زمینه های مختلفی عنوان شده است. به عنوان نمونه، برخی بهره مندی از رویکردهای نظری نامناسب، گروهی بی تجربه بودن مدیران و شماری نیز پیچیدگی خود مقوله حاشیه نشینی را در این عدم توفیق ذی مدخل می دانند (CARE، 2006). در میان این همه ناامیدی، برخی از تجارب حکایت از آن دارد که در شماری از کشورها و مناطق حاشیه نشین، توفیقات مناسب و اثربخشی حاصل آمده است (Ali-Kamal et al., 2021, 2). بررسی و تحلیل همین تجارب، نشان می دهد که مدیریت و ساماندهی مناطق حاشیه نشین اصول و قواعد خاصی می طلبد که در بسیاری از کشورها، تاکنون کمتر بدان توجه شده است (Sanderson, 2012). در واقع، به دلیل عدم شناخت دقیق ابعاد و زوایای مقوله حاشیه نشینی، هر نهاد و ارگانی مطابق برداشت و سلیق خود در این پهنه ها ورود پیدا کرده و هزینه ها و اعتبارات تخصیص یافته را به مصرف می رساند. اما از این امر مهم غافل هستند که بدون فهم ارتباط و پیوند این اقدامات با طرح ها و برنامه های سایر نهادها و سازمان های ذی مدخل دیگر و در نهایت طرح های بالادستی، پیامد مثبتی حاصل نخواهد شد.

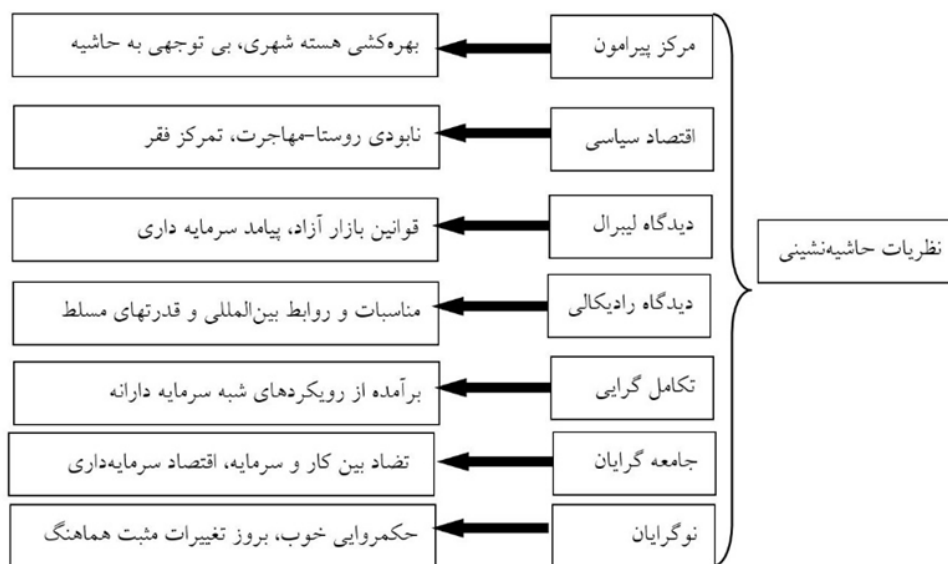
همین چالش ها باعث شده است که حتی اگر در بخشی از روند، توفیقی به دست آمده است و مهاجرین بیشتری به بخش های حاشیه نشین سرازیر شده اند، کل اقدامات معطل مانده است و طراحان و مجریان مورد برخورد های خصمانه قرار گرفته اند. شرایط مورد اشاره در ارتباط با مناطق حاشیه نشین شهر مشهد چالش برانگیزتر بوده است. چرا که این شهر به عنوان دومین کلانشهر ایران و یکی از بزرگترین شهرهای مذهبی جهان، در حالی که سالانه هزاران زائر و مسافر را در بهترین هتل ها پذیرایی می کند، همزمان بیش از یک سوم جمعیت خود را در بدترین شرایط زیستی، با کمترین توجه رها نموده است. این در حالی است که هر ساله بخش زیادی از اعتبارات ملی و محلی در ارتباط با ساماندهی مناطق مورد اشاره به مصرف می رسد. با این وجود و بعد از قریب به ۵۰ سال مداخله در این پهنه ها، نه تنها توفیقی حاصل نیامده است، بلکه جمعیت و وسعت این مناطق رو به ازدیاد است. در حقیقت، مناطق حاشیه نشین مشهد که هم اکنون انواع و اقسام امکانات و زیرساخت های متفاوت را دریافت نموده اند، کماکان با چالش های متعددی روبرو هستند و فقر و فلاکت در این پهنه ها بیداد می کند (صابری فر، ۱۴۰۳). به همین دلیل، هدف این بررسی آن بود تا مشخص نماید، چرا اقدامات صورت گرفته به نتیجه مطلوب منتهی نشده است و با مدنظر قرار دادن کدام مقولات می توان این روند را سرعت بخشیده و به اهداف مدنظر دسترسی پیدا نمود. در نتیجه سوالاتی که این بررسی در پی پاسخ گویی بدان بود، این گونه مطرح شدند:

۱. راهکارهای مدنظر قرار گرفته در ارتباط با ساماندهی مناطق حاشیه نشین از چه نوعی بوده و به کدام نتایجی منتهی شده است؟
۲. مدل مناسب برای ساماندهی مناطق حاشیه نشین ایران و به طور مشخص، شهر مشهد کدام است؟

پیشینه و مبانی نظری

به طور کلی، مقوله حاشیه نشینی در دستگاه های مفهومی بسیاری مورد توجه قرار گرفته و نظریات فراوانی در ارتباط با سطوح هستی شناختی و معرفت شناسی آن ارائه گردیده است. برخی از مهمترین رویکردهایی که تاکنون در این زمینه مطرح بوده اند، در شکل ۱، ارائه شده است (شکل ۱).

تقریباً در تمام رویکردهای عنوان شده در شکل ۱، مقوله حاشیه نشینی در سطح نظر مطرح بوده و ابعاد اجرایی و عملیاتی آن بسیار ناچیز است. اما در رویکرد نوگرایان که از آن با عنوان مدنظر قرار دهندگان همزمان همه عناصر اصلی حاشیه نشینی یاد می کنند، مقوله حاشیه نشینی در عمل مدنظر بوده است. به همین دلیل، در این بررسی، تلاش



شکل ۱. اصلی‌ترین رویکردهای مطرح در مطالعه حاشیه‌نشینی (مأخذ: زاهدزاهدانی، ۱۳۶۹؛ پیران، ۱۳۶۶؛ حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱؛ قرخلو و شریفی، ۱۳۸۳؛ قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۸؛ ایراندوست، ۱۳۸۹؛ اصغری زمانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ صابری‌فر، ۱۴۰۲؛ Parsa-Pajouh et al., 2005; Sanderson, 2012).
Figure 1. The main approaches in the study of marginalization (Source: Zahid-Zahedani, 1369; Piran, 1366; Hatami-Nejad & Zomordian, 1372; Haji-Yousefi, 1381; Qarkhloo & Sharifi, 1383; Qarkhloo & Abedini, 1389; Irandoost, 1389; Asghari-Zamani et al., 1392; Saberi-Far, 1402; Sanderson, 2012; Parsa-Pajouh et al., 2005)

و ابعاد مشکلات هم‌سنخ نیست. در حقیقت، حاکمیت ضعیف و یا ارائه خدمات نامناسب، به گسترش فساد و وقوع جرایم سازمان‌یافته فرصت می‌دهد. در شرایط فقدان مدیریت دقیق و نظارت کامل، آنانی که از قدرت بیشتری برخوردارند، همه امکانات را کنترل کرده و شرایط را برای سایرین بیش از پیش سخت می‌کنند (Narayan & Petesch, 2000, 190). حتی گاهی خود دولت‌ها با ایجاد محدودیت و یا اخراج اجباری، حاشیه‌نشینان را مورد ظلم قرار می‌دهند. اما واقعیت آن است که حاشیه‌نشینی عمدتاً به دلیل ناتوانی در برآوردن نیازهای اساسی؛ فراهم نبودن شرایط برای ساخت و استفاده از دارایی‌ها و ناتوانی در دستیابی به منابع قدرت و یا توان اندک برای اثرگذاری بر سرنوشت خویش، ایجاد شده‌است. بنابراین، تا این زمینه‌ها حذف نشود، امید هیچ نوع پیشرفتی وجود نخواهد داشت. به همین منظور، در رویکردهای جدیدتر، تلاش شده تا این موانع از طریق تغییر موقعیت اجتماعی، بهبود شرایط انسانی و فراهم‌سازی محیط فعال، مرتفع گردد (Ali-Kamal et al., 2021, 2). در این معنا، سه موقعیت مورد اشاره به نوعی به دارایی‌های در اختیار مربوط است. یعنی فرد اگر این دارایی‌ها را در اختیار نداشته‌باشد، نمی‌تواند موقعیت فرودست خود را تغییر دهد (Sanderson, 2012). در این رویکرد، تحول در موقعیت اجتماعی، یعنی فرد بتواند به شبکه‌ها، گروه‌های اجتماعی و پیوندهای

شده‌است تا عوامل اصلی و اثرگذار در روند اجرا، مورد توجه قرار گیرد. واقعیت آن است که در تمام کشورها با نوعی از حکمروایی نامناسب و عدم تدوین سیاست‌ها و اصول مدیریت شهری، مداخلات نامناسب حکومت، عدم حاکمیت قانون و فساد گسترده و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ضعف در تدوین سیاست‌ها و روش مدیریت شهری معیوب روبرو هستیم (Sanderson, 2012). در چنین شرایطی، اغلب دولت‌ها و کارشناسان وابسته به آنها، بهبود محله‌های فقیرنشین شهری را زمینه‌ای برای افزایش جذابیت این محلات برای فقرای روستایی تلقی کرده و ادعا دارند چنین روندی، مهاجرت روستائیان را تشدید می‌کند. حتی اگر چنین استدلالی را منطقی بدانیم، به لحاظ اخلاقی قابل‌پذیرش نیست. چرا که در این صورت باید عملاً چنین مناطقی را در شرایط فلاکت‌باری نگه داریم. این در حالی است که وقتی شرایط واقعی مدنظر قرار می‌گیرد، حتی در مناطقی که مهاجرت‌های روستایی تقلیل یافته‌است، جمعیت این مناطقی کاهش پیدا نکرده‌است (صابری‌فر، ۱۴۰۲). در واقع، افزایش کنونی جمعیت حاشیه‌نشین بیشتر ناشی از زاد و ولد افراد در همین محدوده‌ها است (Sanderson, 2012).

با تحلیل موضوع در سطح مورد اشاره، راهکارها و سیاست‌هایی که برای بهبود شرایط حاشیه‌نشینان مورد استفاده قرار می‌گیرد، با ماهیت

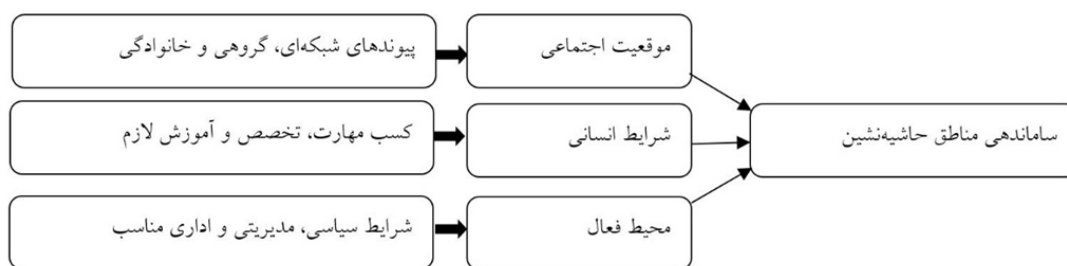
خانوادگی مناسب دسترسی داشته باشد. کسی در جایگاه و موقعیت انسانی لازم قرار خواهد داشت که بتواند مهارت‌ها و توانایی‌های فنی، تحصیلی و ... را کسب نماید. این روند در ارتباط با محیط فعال، به وضعیت سیاسی و مدیریتی مربوط است. در این شرایط، وجود نهادها و سازمان‌های حرفه‌ای، به خصوص کمیته‌های ساماندهی و بهسازی که توسط مردم و به کمک دولت شکل گرفته باشند، ضرورتی غیرقابل انکار است (CARE, 2006). روشن است که این موارد تنها به سرمایه‌های غیر مشهود اشاره نداشته و سایر سرمایه‌هایی که تحت عنوان مشهود (فیزیکی، مالی و طبیعی) از آنها یاد می‌شود، شایان توجه هستند. واضح است که توانایی کسب و یا خلق، استفاده و نگهداری از دارایی‌ها به عوامل خارجی بستگی تامی دارد. عواملی چون در دسترس بودن و کنترل منابع و تبعیض‌هایی که افراد با آن مواجه هستند. بنابراین، هر کس در هر جای شهر زندگی نماید و به این سرمایه‌ها دسترسی نداشته و یا نتواند از آنها استفاده کند، حاشیه‌نشین محسوب شده و به عامل مخربی برای خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تبدیل خواهد شد.

اصطلاح حاشیه‌نشینی اولین بار در سال ۱۵۱۶ در ونیز به کار گرفته شد. برخی این تاریخ را در ایران تا دوران ساسانیان عقب می‌برند. در این دوران، اسیران جنگی را در مراکز سکونتگاهی جدا از مردم و در حاشیه شهرها سکنی می‌دادند. البته در اروپا و به سال ۱۷۹۹، شورای کلیسا، زندگی مسیحیان را در میان یهودیان ممنوع کرد که موجب ایجاد گتوهای متعدد یهودی‌نشین در اطراف شهرهای بزرگ اروپائی گردید (صابری فر، ۱۳۸۸). از آن زمان تاکنون، بررسی و پژوهش در این ارتباط ادامه داشته است. اما مطالعات و پژوهش‌هایی که از ابعاد نظری فاصله گرفته و اهداف عملی را مدنظر داشته‌اند، در غرب به دوران انقلاب صنعتی و در ایران به وقوع اصلاحات ارضی برمی‌گردد. به طور مشخص و در ایران، اولین مطالعات در موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد که از نمونه‌های مشخص آن می‌توان به کارهای قلع‌گلابی (۱۳۵۰) اشاره کرد. بعدها افراد زیادی به این حوزه وارد شدند که معروف‌ترین آنها مطالعات پرویز پیران (۱۳۶۶)، زاهدزاهدانی (۱۳۶۹)، حسین‌زاده دلیر (۱۳۷۱)، احمدیان (۱۳۷۱) و اردشیری (۱۳۷۵) می‌باشند. با وجود آن که در مطالعات اولیه این پدیده بسیار ساده و خطی در نظر گرفته می‌شد، در مطالعات دو دهه اخیر، ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد. در این بخش نیز پژوهشگرانی چون بیانلو (۱۳۸۵)، مرادی و بخشنده (۱۳۹۰)، فتحی (۱۳۹۱)، عزیززاده اقدم (۱۳۹۴)، نوربخش و همکاران (۱۳۹۶)، علیپور و همکاران (۱۳۹۷)، صابری فر (۱۳۹۹ و ۱۴۰۲)، باقری‌میاب و همکاران (۱۴۰۳)، فعال تر بوده‌اند.

همان‌طور که بیان شد، در خارج از ایران، مطالعه محلات آلوده و حاشیه‌نشین، عمدتاً به دوره انقلاب صنعتی مربوط است. در این دوره، محلات شهری بسیار نامناسب و از نظر ساختار بی کیفیت بودند. در این محلات، معیارهای مربوط به سلامتی چندان مورد توجه نبود و به همین دلیل، امکان شیوع بیماری‌های واگیردار و اپیدمی‌های گسترده وجود داشت. از آنجا که این مشکلات می‌توانست سایر محلاتی که عمدتاً به اعیان و ثروتمندان اختصاص داشت را هم آلوده نماید، ساماندهی آنها در دستور کار قرار گرفت و مطالعات و پژوهش‌های متعددی در همین ارتباط آغاز گردید. شاید یکی از اولین مطالعات در این ارتباط، کارهای چادویک^۱ (۱۸۴۱)، باشد. بعدها و در مطالعات سابین^۲ (۱۹۶۴) روند آغاز شده توسط چادویک ادامه یافت. به طور مشخص، سابین تمرکز اصلی خود را به تشریح و تبیین نظریه‌ها و تئوری‌های سیاسی و نقش آن‌ها در ساختار و محل استقرار شهرهای یونانی قرار داد. در این میان، مهمترین دغدغه این دانشمند، مقوله حاشیه‌نشینی و گتوها بود. این شرایط بعدها در کارهای الیاس^۳ و همکاران (۱۹۶۶)؛ کلینارد^۴ (۱۹۶۶)؛ نوکس^۵ (۱۹۸۸)، ساندرسون^۶ (۲۰۱۲)؛ گوسوس^۷ و تایون^۸ (۲۰۲۰)؛ الکامل^۹ و همکاران (۲۰۲۱)؛ بوتاتینگ و آدامز^{۱۰} (۲۰۲۳) و سینگ و سینگ^{۱۱} (۲۰۲۴)، با جدیت بیشتری دنبال شد. اما با تحلیل این بررسی‌ها، مشخص می‌شود که تقریباً همگی آنها، مقوله حاشیه‌نشینی را به عنوان پدیده‌ای تحمیلی به شهر نگریسته‌اند و به همین دلیل، راهکارهای سلبی را بیش از رویکردهای ایجابی مدنظر داشته‌اند. علاوه بر آن، راهکارهای ارائه شده خطی و ساده‌سازی شده بوده و از همین‌رو، اغلب غیرقابل اجرا تصور گردیده و یا در صورت اجرا، کمتر درمانی و بیشتر مسکن بوده‌اند. در نتیجه، در تحقیق کنونی تلاش شد تا مشکل حاشیه‌نشینی به عنوان مسئله‌ای کثیرالابعاد مدنظر قرار گرفته و به همه اجزای آن در حد و اندازه خود توجه گردد. بنابراین، بررسی کنونی، عمدتاً عملگراییانه بوده و بر این نکته تاکید شده است که شهر سیستمی چندبعدی است و زیر سیستم‌های مختلفی دارد و در مواردی این زیر سیستم‌ها در تضاد با هم قرار دارند. در نتیجه، ممکن است اصلاح یک بخش، آثار سوئی در سایر بخش‌ها ایجاد نماید. به همین دلیل، اصلاحات باید به نحوی انجام گیرد که نتایج مثبت به حداکثر و پیامدهای منفی به حداقل ممکن کاهش پیدا نماید. مطابق شرح ارائه شده، مدل مفهومی تحقیق کنونی را می‌توان به صورت شکل زیر، ارائه نمود (شکل ۲).

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس ماهیت و روش از نوع توصیفی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی بود. جامعه آماری تحقیق، پژوهشگران و مدیرانی



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق
Figure 2. Conceptual research model

درون داده‌هاست. به این منظور، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با محققان و پژوهشگران حوزه حاشیه‌نشینی و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای، با استفاده از روش کدگذاری تحلیل شد. یادآوری می‌شود که افراد طرف توجه این تحقیق کسانی بودند که سابقه بالایی داشتند و مدرک تحصیلی آنها حداقل در حد کارشناسی ارشد بود. فرآیند کدگذاری در ۴ سطح به صورت کدگذاری در سطح یک به گفتارهای کلیدی یا شاخص (کد)، در کدگذاری سطح دو به مفهوم یا بلوک، در کدگذاری سطح سه به مقوله‌های فرعی یا لایه و در کدگذاری سطح چهار به مقوله اصلی یا بعد تاکید شد. پس از شناسایی و نام‌گذاری مفاهیم موجود، مقولات مشابه بر اساس منطق تلفیق شده (کدگذاری سطح دو) و هر یک با عنوان یک عنصر، با مفهوم ساماندهی نامگذاری گردیدند. پس از تلفیق مفاهیم شناسایی شده در سطحی بالاتر، مقوله‌های فرعی استخراج گردید. در انتها، مقوله‌های اصلی تحقیق معین شد.

محدوده مورد مطالعه در این بررسی، شهر مشهد بود. مشهد در میان رشته کوه‌های بینالود از جنوب و هزار مسجد در شمال واقع شده‌است. ارتفاع مشهد از سطح دریا ۹۸۵ متر بوده و در فاصله ۹۷۷ کیلومتری تهران قرار دارد. طبق آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، شهر مشهد با جمعیت ۳۰۵۷۶۷۹ نفر، دومین کلان‌شهر و پرجمعیت‌ترین شهر ایران بعد از تهران می‌باشد. آب و هوای مشهد معتدل و متغیر است و وزش بادهای آن بیشتر در جهت جنوب شرقی به شمال غربی است. حداکثر درجه حرارت در تابستان‌ها ۳۵ درجه سانتی‌گراد بالای صفر و کمترین آن در زمستان‌ها ۱۵ درجه زیر صفر می‌باشد. این شهر با وجود آن که به دلیل هتل‌ها، بازارها، رستوران‌ها و ... همتر از شهرهای اروپایی محسوب می‌شود، اما به جهت داشتن بافت‌های ناکارآمد و حاشیه‌نشین، بعد از ساندج، دومین شهر دارای بالاترین نسبت جمعیت حاشیه‌نشین و فقیر به حساب می‌آید (صابری‌فر، ۱۴۰۲). به عنوان مثال، در این شهر ۸ پهنه اساسی و ۶۶ محله حاشیه‌نشین وجود دارد که در مجموع بیش از ۹۲۲ هزار نفر را در خود جای داده‌اند. مساحت اختصاص یافته به این پهنه جغرافیایی،

بودند که در حوزه ساماندهی و توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین صاحب نظر محسوب می‌شدند. نمونه انتخابی در این مطالعه که به روش هدفمند گزینش شده بودند، ۳۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه حاشیه‌نشینی (جغرافیا، جامعه، شناسی، برنامه‌ریزی شهری و اقتصاد) بودند. در این بررسی با تمام کسانی که حداقل ۱۰ پژوهش مستقل در ارتباط با مناطق حاشیه‌نشین داشته و مدیرانی که بر حسب علاقه و تخصص به این حوزه وارد شده و حداقل یک پروژه اجرایی را در ارتباط با ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین هدایت کرده بودند، مصاحبه به عمل آمد. روش تحقیق نیز از نوع کیفی بود. در این بررسی، بعد از جمع‌آوری داده‌ها به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با استفاده از تحلیل تم، مهمترین عوامل اثرگذار در ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای احصاء و به تایید خبرگان رسید. در نهایت، اصلی‌ترین عناصر ذی‌مدخل در هر عامل مشخص گردید. داده‌های مورد نیاز برای این هدف، ابتدا از تحقیقات و بررسی‌های قبلی و از طریق جستجوی کتابخانه‌ای، وب و رجوع به تحقیقات و پروژه‌های انجام شده، گردآوری شد. در بخش میدانی، از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بهره‌برداری به عمل آمد. پرسش اصلی در این تحقیق این‌گونه طرح شده بود که به نظر شما، عوامل اصلی موثر در ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای در ایران و به طور مشخص شهر مشهد کدام است؟ به منظور رسیدن به روایی و پایایی تحقیق، بررسی کاملی پیرامون عوامل اثرگذار در پروژه‌های موفق خارجی به عمل آمده و در جلسات مصاحبه، هدف مصاحبه برای مصاحبه شونده‌گان دقیقاً تشریح گردید. از آنجا که طبق بررسی‌های قبلی و مصاحبه‌های اکتشافی، طرح‌های موفق اجرا شده در ارتباط با بافت‌های حاشیه‌ای در ایران اندک و بعضاً نایاب بود، از مصاحبه شونده‌گان درخواست شد، چند تجربه موفق خارجی را قبل از مصاحبه مطالعه نمایند. در صورت لزوم برخی از این نمونه‌ها در اختیار مصاحبه شونده‌گان قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تجزیه و تحلیل تم که در تحقیقات کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد، بهره‌برداری به عمل آمد. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوها (تم‌ها)ی موجود

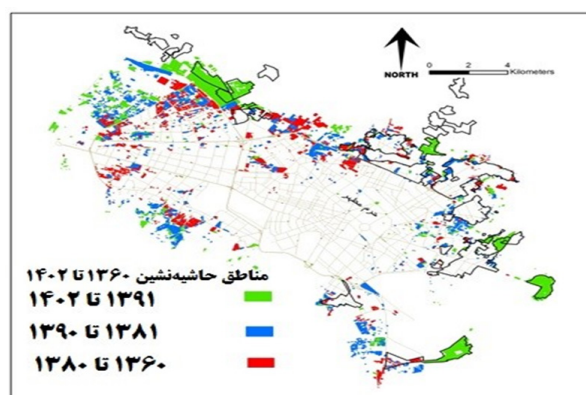
همین دلیل، از ورود تفصیلی به این بخش خودداری گردید. از طرف دیگر و با توجه به گستردگی مصاحبه‌های به عمل آمده، ارائه همه نتایج در این بخش غیر ممکن به نظر می‌رسد. به همین جهت و تنها برای آشنایی نمونه‌ای از تحلیل‌های انجام شده روی مصاحبه‌ها به تعداد اندکی از نمونه‌های کدگذاری شده اشاره می‌گردد (جداول ۴ و ۳، ۲، ۱).

با توجه به این‌که هدف بررسی حاضر ارائه الگویی موفق برای ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد بود، مدل نهایی در شکل ۴ ترسیم گردید. همانگونه که در این شکل ملاحظه می‌شود، یک الگوی موفق، حداقل سه عنصر اساسی دارد که بایستی همزمان مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت، هر یک از این عناصر به عنوان یک نماد ریاضی در معادله ساماندهی وارد شده و چنانچه ارزش واقعی آنها مدنظر قرارنگرفته و معادل صفر باشد، تغییر ایجاد شده هیچ و یا صفر خواهد بود. به بیان دیگر، اگر ساماندهی مناطق

حدود ۳۸۹۴ هکتار می‌باشد. بر این اساس، ۳۰ درصد جمعیت و ۱۱ درصد مساحت شهر مشهد به این گروه اختصاص دارد. همچنین تراکم جمعیت در هسته‌های حاشیه‌نشین به طور متوسط ۲۳۶ نفر در هکتار است که در مقایسه با تراکم شهر مشهد که ۸۷ نفر در هکتار می‌باشد، تراکم بالایی را نشان می‌دهد (سعیدی مفرد و همکاران، ۱۳۹۹، ۷۴). نکته قابل توجه آن است که علی‌رغم اعتبارات هنگفتی که در این ارتباط به مصرف رسیده‌است، نه تنها پیشرفتی حاصل نیامده‌است، بلکه پهنه‌های مورد اشاره در سال‌های اخیر دائماً در حال گسترش بوده‌است (شکل ۳).

یافته‌ها

همانطور که بیان شد، چون نمونه شرکت کننده در مطالعه همگی از کارشناسان و محققان طراز اول این حوزه بودند، همگی به لحاظ مدرک و موقعیت شغلی در جایگاه تقریباً یکسانی قرار داشتند و به



شکل ۳. گسترش بافت‌های حاشیه‌نشین شهر مشهد در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۲
Figure 3. Expansion of marginalized areas in Mashhad city during the years 1981 to 2024

جدول ۱. فرایند انجام پژوهش
Table 1. Research process

مصاحبه شونده	گفتار کلیدی	کدهای سطح یک
اول	سطح تحصیلات و آموزش در مناطق حاشیه‌نشین شهر بسیار پایین‌تر از بدنه اصلی شهر بوده و به همین دلیل، پذیرش تغییر برای آنها پایین است.	آموزش و تخصص
دوم	به دلیل غلبه جمعیت غیر بومی و تنوع قومی و قبیله‌ای در مناطق حاشیه‌نشین، شکل‌گیری پیوندهای گروهی و تشکیل شبکه‌های همکاری غیر ممکن است.	پیوندهای گروهی و شبکه‌ای
سوم	سیاستگذاری‌ها به شیوه بالا به پایین صورت می‌گیرد و طرح‌ها و پروژه‌ها فاقد توجیهات محلی هستند.	ضعف حکمرانی

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری سطح دو (مفهوم یا بلوک)
Table 2. Example of Level 2 Coding (Concept or Block)

ردیف	کد سطح چهار	مصاحبه شونده
۱	ارتقای مهارت‌های فردی	اول، سوم، هفتم و یازدهم
۲	تقویت پیوندهای خانوادگی	سوم، چهارم، ششم، نهم، یازدهم
۳	اصلاح سیستم‌های اداری و مدیریتی	اول، دوم، هفدهم، نوزدهم و بیست و سوم

جدول ۳. نمونه کدگذاری سطح سه (مقوله‌های فرعی یا لایه)
Table 3. Example of Level 3 Coding (Subcategories or Layers)

مقوله‌های فرعی	مفهوم یا بلوک
موقعیت اجتماعی و پیوندهای محلی	تقویت پیوندهای سنتی، خانوادگی و توسعه شبکه‌ها
تحول در شرایط انسانی و دارایی‌های فرهنگی	بهبود شرایط آموزشی، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و ...
توجه به شرایط محیطی و زمینه‌های حاکمیتی	اصلاح نظام‌های سیاسی، اداری و مدیریتی ناکارآمد
نگاه سلسله‌مراتبی در مدیریت و ساماندهی	رعایت اولویت‌های مربوط به پیگیری و ارائه تسهیلات

جدول ۴. کدگذاری سطح چهار
Table 4. Level 4 coding

مقوله‌های اصلی (بعد)	مقوله‌های فرعی (لایه)
موقعیت اجتماعی	پیوندهای گروهی، شبکه‌ای و خانوادگی
محیط فعال	نظام سیاسی، سیستم‌های اداری و مدیریتی
شرایط انسانی	آموزش، تخصص و ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای

صورت پیامد مثبت، اثر آن بسیار کم خواهد بود (شکل ۴). مطابق اعتقاد شرکت‌کنندگان در پژوهش، بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه ساماندهی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای بر توانمندسازی این مناطق تاکید داشته و اعتقاد دارند که ارائه هر گونه خدماتی به این بخش‌ها، به جذب مهاجرین بیشتری به این مناطق منجر خواهد شد. اما از این نکته اساسی غافل هستند که ترس از ورود مهاجرین بیشتر، توجیه بسیار مناسبی برای محروم نگه‌داشتن بخش زیادی از جمعیت شهرها از خدمات و زیرساخت‌های اولیه نبوده و با عدالت اجتماعی و استانداردهای حقوق بشری هماهنگ نیست. این در حالی است که افزایش جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین بیش از آن که

حاشیه‌نشین را یک معادله ریاضی با سه پارامتر اصلی در نظر بگیریم، این عناصر بایستی دارای ارزش باشند. چرا که پارامترهای مورد اشاره در نهایت در هم ضرب شده و حاصل آنها، تحول اساسی مناطق حاشیه‌نشین خواهد بود. حالا، چنانچه هر یک از این پارامترها معادل صفر در نظر گرفته شوند، بقیه ارزش‌های وارد شده در صفر ضرب شده و نتیجه نهایی صفر خواهد بود. علاوه بر آنها، ترتیب و تقدم این اقدامات هم بسیار اساسی بوده و همانند شیوه حل معادلات ریاضی ابتدا بایستی از داخلی‌ترین بخش، یعنی تامین نیازهای اساسی آغاز نمود. چرا که تا زمانی که این بخش فراهم نباشد، تحولات دیگر قسمت‌ها ممکن نبوده و طرح‌های اجرا شده، اثربخشی نداشته و یا در

حاشیه‌نشین در همه گروه‌ها یعنی مناطق زاغه‌ای^{۱۲}، پرازدحام^{۱۳} و آسیب‌زا و مراکز تجمع زباله‌گردها و ...^{۱۴} به درستی فهم و درک نشده و عمدتاً به خصایص و ویژگی‌های ظاهری آنها اکتفا گردیده‌است. به همین دلیل، در ارائه راه‌کارها، موفقیت‌چندانی کسب نکرده‌اند (CARE, 2006). زیرا، چنین فهمی از مناطق حاشیه‌نشین در نهایت در چند مقوله مشخص مثل بدمسکنی، ازدحام جمعیتی، محدود بودن دسترسی به آب سالم و بهداشتی، مسئله‌دار بودن سلامت و بهداشت و در نهایت عدم وجود امنیت تصرف محدود شده و نتیجه غائی آن در انتها حضور و مداخله مستقیم دولت و صرف هزینه‌های هنگفتی است که تاکنون نتیجه چندانی هم به همراه نداشته‌است.

مطابق نتایج به دست آمده، سه بعد اساسی برای ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین در شهر مشهد برای شکل دادن پیوندهای گروهی، شبکه‌ای و خانوادگی و همچنین بهبود شرایط سیاسی، اداری و مدیریتی و در نهایت ارتقای شرایط آموزشی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای ساکنین، بایستی در قالب یک معادله ریاضی به شکل زیر مدنظر قرار گیرند.

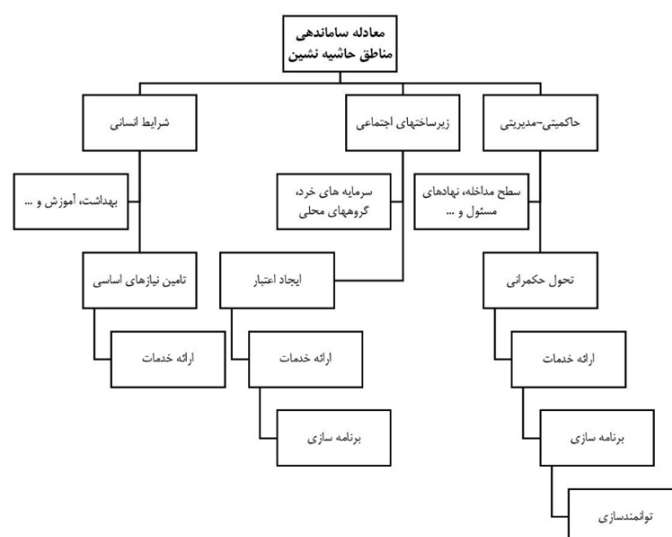
موقعیت اجتماعی × شرایط انسانی × محیط فعال = ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین

مطابق این مدل، هر سه پارامتر موثر در ساماندهی باید دارای مقدار باشد، در غیر این صورت، عملاً بقیه موارد در صفر ضرب شده و نتیجه نهایی صفر خواهد بود. علاوه بر آن تقدم و تاخرها نیز اهمیت اساسی دارد. به همین دلیل، بایستی اولویت‌بندی‌ها به شکلی صورت گیرد که

ناشی از مهاجرت باشد، عمدتاً از زاد و ولدی است که در همین مناطق صورت می‌گیرد. این یافته در سایر مطالعات صورت گرفته در ایران و خارج از آن نیز مورد تایید بوده‌است (Sanderson, 2012).

مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تاکید داشتند که گروهی از محققان، انجام هرگونه اقدامی در ارتباط با ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین را ارائه مسکن برای درد مزمنی می‌دانند که در بدنه شهر و کشور موجود است و بسیاری از پیامدهای منفی موجود را تشدید می‌کند. این گروه از محققان با این فرض آغاز کرده‌اند که ساکنین مناطق حاشیه شهرها همگی از مهاجرین روستایی بوده و در صورتی که مبدا این مهاجرت‌ها (مناطق روستایی) توسعه پیدا نماید، مهاجرت به شهرها قطع شده و مهاجرین قبلی به شهرهای اصلی خود بر می‌گردند. اما باور اصلی شرکت‌کنندگان در این بررسی بر آن قرار داشت که اصولاً مناطق روستایی توان جمعیت‌پذیری بیش از آنچه هم اکنون با آن مواجه هستند را نداشته و انتظار می‌رود مهاجرت‌های روستایی به شهرها همچنان ادامه داشته‌باشد. این ادعا در بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در این حوزه به خصوص کار عرفانی (۱۳۹۹) مورد تاکید قرار گرفته است. علاوه بر آن، تقریباً تمام فعالیت‌هایی که برای مهاجرت معکوس به انجام رسیده، نتایج مورد انتظار را در پی نداشته و در بهترین حالت، اندک موارد حادث شده نیز عمدتاً در ارتباط با بازگشت مهاجرین به روستاهای حاشیه شهرهای بزرگ و غیر از موطن اصلی آنها بوده‌است (صابری فر، ۱۴۰۲).

در حقیقت، تحلیل و نقد بررسی‌های قبلی بیانگر آن است که مناطق



شکل ۴. مدل نهایی ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین

Figure 4. Final model for organizing marginalized areas

نه تنها زمینه‌های اولیه را فراهم آورد، بلکه به صورت یک چرخه خود تقویت‌کننده، پیامدهای مثبت را چند برابر سازد (جدول ۵).

نتیجه‌گیری

در این مطالعه و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران حوزه ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین، مشخص شد که یکی از اساسی‌ترین مشکلات مناطق حاشیه‌ای در ایران و جهان، مقولات مرتبط با دسترسی به سرمایه‌های مشهود و غیر مشهود می‌باشد (Sanderson, 2012). به همین دلیل، ابتدا بایستی ساکنین مناطق حاشیه‌نشین به این سرمایه‌ها دسترسی پیدا نموده و در مرحله بعد، فرصت و شرایط بهره‌مندی از آنها را به شیوه آزاد و دموکراتیک داشته‌باشند. این امکان اگر همراه با سایر زمینه‌های اجتماعی و محیطی باشد، تحولات لازم در این مناطق را زمینه‌سازی خواهد کرد. بنابراین، برای ایجاد تغییرات مثبت و سازنده در مناطق حاشیه‌نشین، بایستی سه پارامتر اساسی موقعیت اجتماعی، وضعیت انسانی و محیط فعال، توانمند مدنظر باشند. در این معنا، موقعیت اجتماعی به شرایط نسبی درک شده در جامعه (و بنابراین میزان تبعیض) مربوط است. وضعیت انسانی به محدوده و میزان استفاده از دارایی‌های نامشهود اشاره دارد. محیط توانمند اساساً با اثربخشی حکمرانی شکل می‌گیرد. رابطه این اجزا همانند نمادهای ریاضی در یک معادله بوده و در هم ضرب می‌شود. در نتیجه، اگر یکی از این عناصر مدنظر قرارنگرفته و فعالیت مناسب برای آن انجام نشود، ضریب اختصاص یافته به آن، صفر خواهد بود. بنابراین، وقتی یکی از این اجزا صفر باشد، میزان تغییر نهایی هم صفر خواهد شد. به همین دلیل، هر نوع دخالتی در

این مناطق، بایستی در قالب سه استراتژی متمرکز، همپوشان و تقویت‌کننده به شرح زیر مدنظر قرارگیرد:

۱. اقدامات اساسی و منسجم برای تامین نیازهای فوری و ضروری و در کل رفع نیازهای اولیه؛ آب، غذا، حمایت‌های اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، فراهم‌سازی شرایطی برای بهره‌گیری از فضاهای موجود و کسب منزلت مناسب و همانند سایر شهروندان.
۲. توجه و تامین نیازهای کوتاه و میان مدت، به خصوص در ارتباط با ایجاد شرایط و زمینه‌هایی که به خلق دارایی‌های فردی و گروهی (به ویژه از نوع دارایی‌های نرم) امکان دهد. در این ارتباط، تاکید بر اقداماتی برای توانمندسازی، شبکه‌سازی و توسعه مهارت‌ها بسیار ضروری است؛ چون این موارد در شمار دارایی‌های نرم قرار می‌گیرند.
۳. در کنار تامین نیازهای کوتاه و میان مدت، ضرورت دارد که به مایحتاج و زمینه‌های بلندمدت نیز توجه گردد. در این ارتباط، رسیدگی به علل اساسی فقر، به خصوص عواملی که به ساختارهای حکمرانی معیوب مربوط بوده و به بی‌عدالتی، فساد، جنایت و خشونت ساختارمند منتهی می‌گردد، بسیار مهم است. اساساً فقدان چنین نگرشی، روندهای تبعیض‌آمیز ریشه‌دار را تقویت خواهد کرد (شکل ۵). البته اجرای چنین راهبردی مستلزم آن است که تقدم و تاخرها به شکل دقیق و هدفمندی مدنظر قرارگیرد (شکل ۵). به این منظور، ابتدا باید سطوح مربوط به زمینه‌یابی، ایجاد اعتبار و تشخیص نیازهای فوری در دستورکار قرارگیرد. مسلم است که بسیاری از مشکلات در سطح علل اساسی به حاکمیت و رویه‌های سیاسی مربوط است که زمینه‌ساز مشکلات کنونی هستند. به همین دلیل، اقدامات مربوط به این حوزه، در مرحله نخست باید مدنظر قرار گرفته و در هر سه بخش

جدول ۵. تقدم و تاخر اقدامات مربوط به ساماندهی و سطوح مداخله

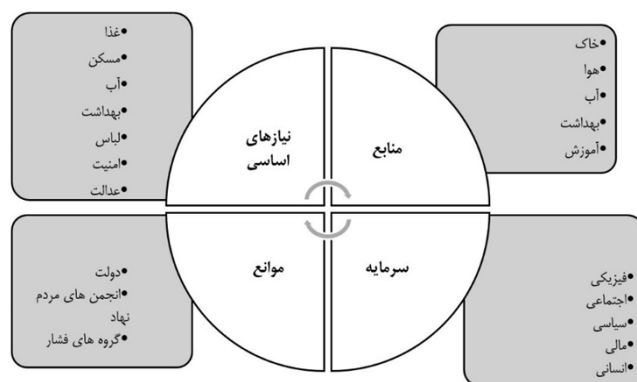
Table 5. Priority and delay of actions related to organization and intervention levels

شرح	اقدام	تامین خدمات	برنامه سازی	توانمندسازی	سطح اجرا
علل اساسی	ارتقای سطح حکمرانی	✓	✓	✓	تعیین سطح و نوع مداخله نهادهای ملی و محلی؛ تشکیل گروه های کاری، همکاری با رسانه ها، کسب اطلاعات، تعیین حقوق و وظایف و ...
ایجاد اعتبار	ساخت و استفاده از دارایی	✓	✓		کسب درآمد، جلب و یا تشکیل گروه سرمایه‌گذار، تشکیل گروه‌های محلی، شبکه سازی، مهارت آموزی، بسیج، ارتقای کمیته‌های مناطق حاشیه و ...
نیازهای فوری	تامین نیازهای اولیه	✓			غذا، لباس، بهداشت، مراقبت‌های درمانی، تامین وسایل امن و ...

تأمین خدمات، برنامه‌سازی و توانمندسازی اجرایی شده و در عمل مورد توجه باشد. در بعد اجرایی نیز باید هر یک از نهادهای ملی و محلی، حوزه کار و فعالیت خود را بدانند و بر آن اساس دست به اقدام زنند. برای آن که این بخش به درستی عملکرد خود را نشان داده و بتواند پیامد مثبتی به همراه آورد، ضروری است که چگونگی ارتباط نهادها و سازمانهای ذی‌مدخل، تعریف شده و در صورت نیاز، حلقه‌های واسط و میانی، شکل گرفته و یا موارد موجود تقویت گردد. در بخش ایجاد اعتبار، مقوله دارایی‌های مشهود و نامشهود در دستور کار قرار دارد. در این مقوله، تأمین خدمات و برنامه‌سازی مدنظر بوده و ورود به حوزه توانمندسازی را زمینه‌سازی می‌کند. مهمترین اقدام در این سطح، فراهم‌سازی زمینه‌ها و شرایطی است که ساکنان بتوانند به درآمد لازم دسترسی پیدا کنند. چرا که بدون تأمین درآمد، این گروه‌ها همچنان وابسته به دولت و نهادهای خیریه‌ای خواهند بود و چون حمایت از بیرون است، تحولی در نگرش و عملکرد افراد نیز حادث نخواهد شد. البته که تأمین درآمد از طریق ایجاد اشتغال و ارتقای توانمندی‌های لازم، جز با شکل‌گیری گروه‌های عملیاتی برخاسته از خود مردم در قالب گروه‌های سرمایه‌گذار مستقل و یا تحت حمایت ممکن نخواهد بود. شاید مهمترین عاملی که در این ارتباط می‌تواند در عملکرد مناسب این گروه‌ها اثرگذار باشد، شبکه‌سازی، مهارت آموزی و حمایت‌هایی است که نیرو و توان خود حاشیه‌نشینان را تقویت نماید. آخرین سطح به لحاظ قلمرو و اولین مرحله به جهت اجرا، تأمین نیازهای اساسی می‌باشد. همان‌طور که در **شکل ۵** مشخص شده‌است، این مجموعه اقدامات تنها در سطح تأمین خدمات محدود شده و فوریتی بیش از سایر مراحل دارد. زیرا حاشیه‌نشینان چه منشاء روستایی داشته و چه از سایر مناطق شهر به این محدوده آمده باشند، در شمار نیازمندترین مردم محسوب شده و به همین دلیل،

پی‌نوشت

1. Chadwike
2. Sabine
3. Elias
4. Clinard



شکل ۵. عناصر و اجزای اصلی راهبرد استراتژیک مداخله در مناطق حاشیه‌نشین
Figure 5. Main elements and components of the strategic intervention in marginalized areas

حاشیه‌نشینی. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران. <https://www.gisoom.com/book/1727713>

۵. باقری‌میاب، شهلا؛ کریمی‌کیا، محمدصادق؛ زالی‌زاده، مسعود. (۱۴۰۳). زندگی در حاشیه: ویژگی‌های محلات حاشیه‌نشین کلان‌شهر اهواز. مسائل اجتماعی ایران. ۱۵(۲)، ۳۷-۷۶. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3731-fa.html>

۶. بیانلو، یوسف. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و شرایط بوم‌شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه شیراز. <https://elmnet.ir/vslgg?id=10947250-91361>

۷. پیران، پرویز. (۱۳۶۶). آلونک‌نشینی در تهران. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۲۳-۱۷، ۱۲-۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/173512>

۸. حاجی‌یوسفی، علی. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی). هفت شهر. ۸، ۲۴-۱۲. <https://www.sid.ir/paper/430192/fa>

۹. حسین‌زاده‌دلیر، کریم. (۱۳۷۱). طرح تحقیقی حاشیه‌نشینان تبریز. تبریز: انتشارات موسسه تحقیقات شهری وابسته به کمیته علوم انسانی جهاد دانشگاهی. <https://www.shahrnegar.com/product/informalsettlement-tabriz>

۱۰. زاهدزاهدانی، سیدسعید. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی در ایران. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. https://issh.shahed.ac.ir/article_3755.html

۱۱. سعیدی‌مفرد، ساناز؛ حنایی، تکت؛ شیروانی مقدم، سوسن. (۱۳۹۹). تبیین مولفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد). معماری و شهرسازی ایران، ۸۰-۶۷. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.4956.1437>

۱۲. صابری‌فر، رستم. (۱۳۸۸). تاریخ علم برنامه‌ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. <http://pnu.ac.ir/portal/home>

۱۳. صابری‌فر، رستم. (۱۳۹۹). مسکن و اسکان غیررسمی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. <http://pnu.ac.ir/portal/home>

۱۴. صابری‌فر، رستم. (۱۴۰۲). طراحی مدلی برای تعیین سهم عوامل مؤثر بر بازگشت حاشیه‌نشینان به روستا؛ مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان. مسکن و محیط روستا. ۴۲(۸۲)، ۹۵-۱۱۰. <http://jhre.ir/article-1-2377-fa.html>

۱۵. صابری‌فر، رستم. (۱۴۰۳). بررسی رابطه گردشگری، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مدیریت شهری، نمونه موردی شهر مشهد. برنامه‌ریزی و آمایش فضا. ۲۸(۲)، ۱۵۱-۱۲۶. <http://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-76181-fa.html>

5. Knox
6. Sanderson
7. Goussous
8. Tayoun
9. All-Kamal
10. Boateng & Adams
11. Singh & Singh
12. Slum
13. High dency
14. Scalar

نقش نویسندگان

این مقاله یک نویسنده داشته و همه امور آن توسط نگارنده به انجام رسیده‌است.

تعارض منافع نویسندگان

نویسنده به‌طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده است و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسنده در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده است.

تقدیر و تشکر

نویسنده از همکاری دانشجویان گروه جغرافیا و شهرسازی دانشگاه پیام نور مرکز مشهد که در تکمیل پرسشنامه‌ها همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌نماید.

فهرست مراجع

۱. احمدیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). حاشیه‌نشینی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. ۳(۳)، ۸۴۱-۸۱۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20551>
۲. اردشیری، مهرداد؛ زاهد زاهدانی، سیدسعید. (۱۳۷۵). بررسی برخی عوامل عمده اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین استانی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی. شیراز: انتشارات مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز. <https://ssrc.shirazu.ac.ir>
۳. اصغری زمانی، اکبر؛ زادولی، فاطمه؛ زادولی خواجه، شاهرخ. (۱۳۹۲). حاشیه‌نشینی و فقر شهری، راهکارها و پیامدها (مطالعه موردی: شهر تبریز). اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین. ۱-۱۲. <https://civilica.com/doc/231970>
۴. ایران‌دوست، کیومرث. (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره

26. Boateng G. O. & Adams, E. A. (2023). A multilevel, multidimensional scale for measuring housing insecurity in slums and informal settlements. *Cities*. 132, 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104059>
27. CARE. (2006). Long Range Strategic Pla. Bangladesh, Dhaka: CARE.
28. Chadwike, E. (1941). The Sanitary Condition of the Labouring Population of Britain. London: GRT. <https://navigator.health.org.uk/>
29. Elias, Jr. C. E. (1966). *Metropolis: Values in Conflict*. California: Belmont.
30. Goussous, J., & Tayoun, L. (2020). A Holistic Approach to Slum Reduction: Finding Gaps in Cairo's How-to-Deal' model with International Collected Experience. *Cities & Health*. 31(4), 1-15. <http://dx.doi.org/10.1080/23748834.2020.1735156>
31. Knox, P. (1988). *Places and Regions in Global Context*. New York: Book Care. https://www.amazon.com.be/-/en/Paul-L-Knox/dp/0131497057?language=en_GB
32. Narayan, D. & Patesch, P. (2000). *Voices of the Poor; Crying Out for a Change*. Washington, DC.: World Bank. <https://www.researchgate.net/publication/281100769>
33. Parsa-Pajouh, B. Stockburger, J. Greenwood, M. & Prediger, A.M. (2005). *Inclusive Child Care in Northern British Columbia: An Inquiry into the Successes and Challenges*. Centre of Excellence for Children and Adolescents with Special Needs University of Northern British Columbia: Task Force on Substance Abuse. Retrieved from http://www.unbc.ca/assets/centreca/english/inclusive_child_care_in_northern_bc.pdf
34. Sabine G. (1964). *A History of Political Theory*. London: George G. Harrap. <https://www.amazon.com/History-Political-Theory-4Th-Edn/dp/8120417062>
35. Sanderson, D. (2012). Building livelihoods to reduce risk among the most marginalized in urban areas: Strategic approaches from Dhaka. *Environmental Hazards*. 23, 1-11, <http://www.tandfonline.com/loi/tenh20>
۱۶. عرفانی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی راهکارهای بازگشت حاشیه‌نشینان مهاجر به زادگاه اصلیشان (نمونه موردی حاشیه‌نشینان شهر مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور.
۱۷. علیپور، عباس؛ علیپور، احسان؛ علیزاده، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل عدالت فضایی در سکونتگاه‌های کویری با تاکید بر خدمات عمومی شهری، مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. *مجله جغرافیا و مطالعات محیطی*. ۷(۲۶)، ۸۶-۷۱. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/978769>
۱۸. علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۴). حاشیه‌نشینی. پایش سبک زندگی. ۱۱(۱۲)، ۱۰۹-۱۱۵. <https://ensani.ir/fa/article/354114>
۱۹. فتحی، منصور. (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با سلامت اجتماعی معلمان شهر مراغه. *رفاه اجتماعی*. ۱۲(۴۷)، ۲۴۳-۲۲۵. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1130-fa.html>
۲۰. قرخلو، مهدی؛ شریفی، عبدالنبی. (۱۳۸۳). پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز). *پژوهش‌های جغرافیایی*. ۵۰، ۱۰۱-۸۷. <https://ensani.ir/fa/article/47106>
۲۱. قرخلو، مهدی؛ عابدینی، اصغر. (۱۳۸۸). ارزیابی چالش‌ها و مشکلات شهرهای جدید و میزان موفقیت آنها در ایران: شهر جدید سهند. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. ۱۳(۱)، ۱۹۱-۱۶۵. <http://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-7740-fa.html>
۲۲. قلعه‌گلایی، هوشنگ. (۱۳۵۰). بررسی حاشیه‌نشینی شهری (وضع موجود). تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. <https://ensani.ir/fa/article/download/233084>
۲۳. مرادی، گلرمد؛ بخشنده، مجتبی. (۱۳۹۰). بررسی نقش محرومیت اجتماعی در ایجاد رفتارهای پرخطرگاه میان جوانان شهر شیراز. *فصلنامه پژوهشی دانشگاه آزاد*. ۱(۱)، ۴۲-۳۱. <https://ensani.ir/fa/article/363302>
۲۴. نوربخش، یونس؛ حیدرخانی، هابیل؛ محمدی، اصغر. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه‌نشین کرمانشاه. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۸(۲)، ۲۳۳-۲۵۷. https://journals.ut.ac.ir/article_65061.html
25. All-Kamal, M. Nursey-Bray, M. & Hassan, S.M.M. (2021). Challenges to building social capital through planned adaptation: Evidence from rural communities in Bangladesh. *Current Research in Environmental Sustainability*. 3, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.crsust.2021.100091>



Main Conditions and Contexts Influencing the Planning of Marginal Neighborhoods (case study: Mashhad City)

Rostam Saberifar*, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Law and Social Sciences, University of Payame- Noor, Tehran, Iran.

Abstract

The study area was Mashhad city. This city has one of the highest proportions of slums in the country. So much so that currently, one out of every three citizens living in this metropolis lives in the peripheral areas. Using the livelihoods perspective, three important causes of marginalization in Mashhad are: poor-quality governance in policy formulation and urban management, weak instruments of governance delivery, rule of law and corruption, and social and economic exclusion. This study was conducted using a qualitative research method. To collect data, a semi-structured interview method was used. The statistical population of the study was researchers and managers who were considered experts in the field of organizing and empowering marginalized neighborhoods. Interviews were conducted with all those who had conducted at least 10 independent studies related to marginalized areas and managers who had entered this field based on their interest and expertise and had led at least one executive project related to organizing marginalized areas. The research method was also qualitative. After collecting data through semi-structured interviews, the most important influential factors in organizing marginalized contexts were identified using theme analysis and confirmed by experts. Finally, the most important elements involved in each factor were identified. The data required for this purpose was first collected from previous research and surveys, through library and web searches, and by referring to research and projects carried out. In the field section, semi-structured interviews were used. The main question in this research was posed as follows: In your opinion, what are the main factors affecting the organization of marginalized areas in Iran, and specifically in the city of Mashhad? In order to achieve the validity and reliability of the research, a complete study was conducted on the factors influencing successful foreign projects. During the interview sessions, the purpose of the interview was explained precisely to the interviewees. The results of this study showed that the equation for organizing marginalized areas is as follows. Positive change equals social position multiplied by human condition multiplied by enabling environment. The absence of the conditions mentioned in the organizational process means interrupting the chain of intended actions and practically makes the expenditure and infrastructure provided meaningless. The multiplication sign is deliberate; if one of these elements is missing (it is considered zero), then positive change cannot take place. In this equation, social position equates to reducing social and economic exclusion; human condition equates to meeting basic needs and building and using assets; and enabling environment equates to improving governance that reduces corruption and improves access to services and resources. If these conditions are met, the following strategies can be considered: first, the immediate requirement of meeting basic needs—food, support, healthcare, use of space, and dignity; second, the short- to mid-term needs to build up personal and group assets (in particular ‘soft assets’ including empowerment, networking, and skills development); and third, the long-term needs to address the underlying causes of poverty, namely faulty governance at all levels with unfairness, corruption, crime and violence, and approaches to discriminatory attitudes.

Keywords: Planning model, marginalization, active environment, management and governance, Mashhad.

* Corresponding Author Email: r_saberifar@pnu.ac.ir